

ارمغان سفر

(الى الله)

نويسند

محي الدين ابن عربى

مصحح:

محمد رياض المالح

مترجمان:

اکبر حسين پور، زهرا سعادتى نيا

سرشناسه	ابن عربی، محمد بن علی، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق.
عنوان قرارداد	تحفة السفرة الى حضرة البررة فارسی
عنوان و نام پدیدآور	ارمغان سفر (الی الله) نویسنده محی الدین ابن عربی؛ مصحح ریاض المالح؛ مترجمان اکبر حسین پور، زهرا سعادت نیا.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات اورنگ، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۶۵ ص.
شابک	978-600-95896-0-9
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	اخلاق اسلامی
موضوع	زندگی مذهبی (اسلام)
موضوع	تصوف -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناسه افزوده	مالح، محمد ریاض، مصحح
شناسه افزوده	حسین پور، اکبر، ۱۳۵۳ - مترجم
شناسه افزوده	سعادت نیا، زهرا، ۱۳۵۹ - مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ۳۰۴۱ ۲۴۷/ABP الف ۱۸۴ ات
۱- رده بندی دیویی	۲۹۷/۶۱
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۸۷۷۳۹



انتشارات اورنگ

نام کتاب: ارمغان سفر (الی الله)
نویسنده گان: محی الدین ابن عربی

مصحح: محمد ریاض المالح

مترجمان: اکبر حسین پور، زهرا سعادت نیا

ویراستار: مسلم احمدی

طراح جلد: فروغ بیژن

چاپ و صحافی: انور

چاپ اول: ۱۳۹۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۹۶-۰-۹

تعداد: ۵۰۰ جلد

بهاء: ۶۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تلفن: ۰۹۱۹۴۸۵۷۱۹۰

فهرست مطالب

۷	 مقدمه، صحیح
۱۹	 باب اول: توبه
۲۳	 باب دوم: اء باد
۲۵	 باب سوم: اخلاص
۲۷	 باب چهارم: محبت
۳۱	 باب پنجم: شوق
۳۳	 باب ششم: عشق
۳۷	 باب هفتم: کیفیت ریاضت‌ها
۴۵	 باب هشتم: در بیان خلوت و آداب و شرایط آن
۴۹	 باب نهم: در صفت مرید
۶۱	 باب دهم: معرفت، مقام، حال و تفسیر بعضی از آنها

مقدمه مصحح

الحمد لله رب العالمین و صلوات و سلام بر سرور ما محمد، فاتح قلب-
های بسته، درود بر او و بر خاندان او و آن کس که پیرو اوست به نیکی،
تا روز حشر

و بعد: این کتاب رساله‌ای کم حجم و پر معنی از تالیفات سرورم
شیخ اکبر محیی الدین ابن عربی (رضی الله عنه) است. این رساله در میان
مجموعه‌ی کتب خطی بنده برده به نسخه‌ی دیگری از این رساله در
کتابخانه ظاهریه دمشق دست یافت. اما نسخه بنده از نسخ قدیم است و
گمان می‌کنم که خط آن مربوط به قرن ششم هجری است و دارای
تعلیقات بسیاری است که با خطی ظریف، متفاوت از خط ناسخ، نوشته
شده و من تمامی آن تعلیقات - جز آنچه بر من میسر بود- را ثبت کردم.
نسخه‌ی کتابخانه ظاهریه به خط جدید کتابت شده و تقریباً در اکثر موارد
با نسخه‌ی من هم‌سان است.

از این رساله در کشف الظنون (۲۰۱/۱) با عنوان تحفه المسفره الی
حضره البرره از شیخ جلال الدین احمد، نام برده شده که در ده باب و
فصل نوشته شده است. اصل این کتاب از ابن عربی است و آغاز آن با
این عبارت شروع می‌شود: الحمد لله الذی جعل العلم مفتاح الجنة....
رساله‌ی دیگری نیز با عنوان تحفه المسفره الی حضره البرره تالیف
قوام المله والدین ابوالفضل محمد بن عبدالحمید بسطامی موجود است

که رساله‌ای در آداب صوفیه است و در ده باب به رشته تحریر در آمده و نسخه‌های بسیاری از آن در کتابخانه‌های عمومی موجود است و بر ترجمه‌ی بسطامی از این رساله دست نیافتیم. اما رساله‌ی بنده در سال ۱۳۰۰ هـ در استانبول به گونه‌ای بسیار بد به چاپ رسید و به همین جهت کمتر مورد توجه قرار گرفت و به آن اشاره شد. بسیاری از علما از این رساله در آثار خود مطالبی را نقل کرده‌اند مانند شیخ عبدالحافظ بن علی مالکی خلوتی ازهری متوفی سال ۱۳۰۳ هـ در کتاب خود: لوامع الانوار و روض الازهار.

مالکی این رساله را در معجم المؤلفین (۸۷/۵) تفسیر کرد همان‌گونه که شیخ ابراهیم عزمی بن محمد حلمی رساله مذکور را در کتابش «السير الملوك» که «ملک الملوك» شرح کرده است و در سال ۱۳۴۳ هـ در اسکندریه به چاپ رسیده است. همچنین مستشرق اسپانیایی میشل اسین بلاسیوس مطالبی از این رساله در بحث‌های خود در آثار متعدد و پژوهش‌ها و تحقیقات تاریخی خود در باب فلسفه‌ی ابن عربی - که تمامی عمر خویش را صرف آن کرده است - نقل کرده است. او رساله‌ی مذکور را به اسپانیایی ترجمه و منتشر کرد.

آشنایی من با شیخ محیی الدین (رضی الله عنه) سابقه‌ای دیرین دارد و محبت او پیش از سن بلوغ در قلم رفته دوام دارد. آنگاه که اغلب در مجالسی حاضر می‌شدم که کتاب‌های او را می‌خواندند، در نزد بسیاری از مشایخ بزرگ همچون شیخ محمد ابی الخیر یدانه و شیخ محمد هاشمی و شیخ محمد سعید برهانی (رحمهم الله تعالی) و سید محمد مکی کتانی و دکتر صلاح خیر الله و دیگران، که محضر آنها را درک کردم.

از آن مجالس که در آن حاضر می‌شدم هیچ مجلسی از یاد شیخ اکبر رضی الله عنه خالی نبود و برخی مناقب او را باز می‌گفتند. همچون

مجالس شیخ عبدالوهاب و شیخ احمد الحارون و شیخ یحیی صباغ و شیخ ابراهیم غلايينی - در اثنا دیدارش از شیخ ما میدانی - و دیگرانی که آنها را درک کردم یا با آنها در مکانی جمع می‌شدم همچون مدینه منوره، که در آن با شیخ ابراهیم فضلی ختنی همنشین بودم یا شیخ سید محمد عربی التبانى الجزائری در مکه‌ی مکرمه و برخی از افراد سرشناس در دارالفاضل؛ همچون محمد ابی النصر الیافنى. و از میان آنها شیخ طریقت کیلانیه نیز بود که شیخ محمد فریز کیلانی در سایه‌ی حمایت او بود و دیگر سجاسی که به آنها رفت و آمد داشتیم. این اندیشه به ذهنم غور کرد که چرا دائره المعارفی از شیخ محیی الدین رضی الله جمع آوری نکنم و اسرار باجمع آوری این دایره المعارف، از هر کتابی که بدان دسترسی دارم به این مهم شروع کرده‌ام، به این منظور به دارالکتب ظاهریه دمشق رفتم. بر بخشی نسخ خطی آن را دیدم یا از کتابخانه مخصوص مجمع علمی عربی بسیار استفاده کردم و به برخی از تصویرهای آن از کتاب‌های نسخ شروع کردم و بدین‌گونه افق‌های بسیاری که انتظار آن را نداشتم، در مقابل من گشوده شد. به عنوان نمونه به فهرست‌های بسیاری از کتابخانه‌های مثل کتابخانه استانبول، برلین، لیدن، دارالکتب مصریه، خدیویه، تیموریه و دیگر کتابخانه‌ها دست یافتم و خود را فرو رفته در دریایی عمیق و متلاطم دیدم و دراین میان به رساله‌ی تحفه السفره از شیخ محیی الدین چاپ استانبول دسترسی یافتم و در میان کتب خطی خود به دنبال نسخه‌ی خطی با ارزش خود گشتم و با مقابله‌ی این دو نسخه دریافتم که چاپ آن دارای عباتی است و صفحاتی ناقص است. از این امر بسیار ناخرسند شدم و بر نسخه‌ی خود اعتماد کردم و آن را با نسخه‌ی خطی دیگری که در کتابخانه‌ی ظاهریه بود، مقابله و برای چاپ آماده کردم. پس از پایان آماده‌سازی نسخه، آن را بر شیخ خود، شیخ محمد سعید برهانی، خواندم و او شگفت زده شد.

و در خلال خواندن این رساله بر او، آنچه را در باره‌ی جمع آوری دایره المعارفی از شیخ محیی الدین در دل داشتیم، با او مطرح ساختیم. او بسیار شادمان شد و گفت: گمان می‌کنی حجم این دایرة المعارف چقدر باشد؟ گفتم: اگر آن‌گونه که در این رساله به آن پرداخته‌ام بحث‌ها و تحقیقات را یکسان بیاورم و اگر به نسخه‌های خطی دیگری جز آن، دست یابم، در حدود ۴ یا ۵ هزار صفحه. او گفت: اگر آن را در حدود ۵۰۰ صفحه یا کمی بیشتر مانند کتاب هدیه علانیه مختصر کنی، و اگر فرض کنیم که بر اتمام آن به نحوی که یاد کردی، قادر باشی، به جهت دشواری‌های چاپ، قادر به چاپ آن نخواهی بود. سخن او را پذیرفتم و او، که خدایش را مت‌نباد، گفت: هر آنچه را به تو می‌گویم بدان آغاز کن و من خود هزینه‌های چاپ و انتشار آن را عهده دار می‌شوم. گفتم: پس رساله‌ی تحفه السفر به چه می‌شود؟ گفت: ان شاء الله در آینده آن را چاپ می‌کنی.

پس با جدیت تمام آماده این کار شدم و سیره‌ای کامل را در شرح احوال شیخ اکبر، رضی الله عنه، جمع آوری کردم اما پیش از پایان کار، شیخ به جوار رحمت حق ستا فرات برد.

هدف من از انتشار چنین کتابها و رسائل، چیزی نیست جز پی بردن به اخبار بزرگان صوفیه، رضوان الله علیهم، چرا که یاد کردن از نیکمردان موجب نزول رحمت است. هر آنچه در این نسخه در داخل قلاب [آمده، توسط مصحح اضافه شده و آنچه میان خط - - قرار گرفته، از نسخه ظاهریه افزوده شده است. و خداوند یاریگر است. نعم المولی و نعم النصیر و الحمد لله رب العالمین.

شرح حال مؤلف

او شیخ، امام، کامل، محقق، سلطان العارفین، ابوبکر محمد بن علی حاتمی کاشی اندلسی معروف به شیخ اکبر محی الدین عربی است.

او در مرسیه - شهری در اندلس - در روز دوشنبه هفدهم رمضان المبارک در سال ۵۶۰ هـ به دنیا آمد و فرزند خانواده ای بود که پیشینه ای با شکوه در علم و تقوی و وجاهت داشتند. جد بزرگ او عبدالله الحاتمی، یکی از پیشروان و دلاوران نبردها و فتوحات بود و جد نزدیک او، یکی از قاضیان و علمای اندلسی بود و پدرش علی رغم نزدیکی به سلطان، از فقیهان و محدثان بود و همچنین دایی ها و عموها و مادرش، شیخ رضی الله عنه اینچنین در فضایی آکنده از عشق به ایمان و تقوا پرورش یافت.

در جستجوی علم

شیخ قرآن را در قرائت های هفت گانه همراه با کتاب کافی، نزد ابی بکر بن خلف خواند و پس از آن کتاب کافی را در قرائت های هفت گانه نزد ابی القاسم الشراط اقتضایی، فرزند ابی بکر، خواند و تیسیر و دیگر مصنفات را نزد بسیاری از علمای آن نواحی خواند. او تا سال ۵۹۸ هـ در اندلس ماند و اوقاتش را در طباطبای علم گذراند و از علمای آنجا کسب فیض کرد. سپس به سوی مشرق حرکت کرد و وارد مصر شد. او همچنین مدتی در حجاز اقامت کرد و به بغداد و موصل و بلاد روم رفت. جماعتی از بزرگان همچون حافظ السلفی، ابن عساکر، ابن حوضی و دیگران او را تایید کردند و چه بسا این تاییدیه را در طریق نامه یا به هنگام رفتن به اندلس به او داده باشند.

پیران او و تصنیفاتش

مشایخ او بسیارند به گونه ای که شمارش تمامی آنها دشوار است. مگر برخی از آنها که در تاییدیه او برای ملک مظفر ایوبی شمرده شده، حدود هفتاد و اندی هستند. من در شرح حالی که از او فراهم آوردم بیش از

۲۵۰ پیر را نام برده‌ام که نامشان را از پاره‌ای از آثار او یافته‌ام. آثار شیخ نیز بسیار است. من در شرح حال مذکور غریب به ۹۰۰ کتاب را برای او برشمرده‌ام. همچنین مجمع علمی دمشق نیز در مجله خود، در جلد ۲۹، رساله ای از شیخ اکبر را مطرح کرده که در آن از بعضی تصنیفات او یاد شده است که استاد کورکیس عواد آنها را منتشر کرده است. شیخ در پایان آن رساله می‌گوید: برخی از دوستان را برای من حدود ۴۰۰۰ تصنیف ضبط کرده‌اند.

مشهورترین کتاب‌های موجود از شیخ عبارتند از: فتوحات مکیه که چندین بار به چاپ رسیده و نسخه‌های خطی آن نیز در بیشتر کتابخانه‌ها موجود است. این کتاب بزرگترین دایره المعارف در تصوف اسلامی است.

کتاب جمع و تفریل در اسرار معانی تنزیل شیخ در این کتاب تا این آیه رسید که (و علمناه من ربنا علماً) و سپس وفات کرد. این کتاب در ۶۰ جلد نوشته شده و برابر فتوحات مکیه است چرا که فتوحات در ۲۰ جلد بر حسب تقسیم بند شیخ - نوشته شده است. کتاب‌های دیگری نیز هست که لازم به ذکر نیست.

شعر او:

شیخ را شعری نیکو و لطیف است که از آن جمله است:

أیا حائراً ما بین علم و شهوه لیصلنا بین خدین من وصل
و من لم یکن یستشق الريح لم یکن یری الفضل لیسک امتیق علی الزبل

و نیز:

بین التذلل و التذلل نقطه فیها یتیه العالم التحریر
هی نقطه الأكوان إن جاوزتها کنت الحکیم و علمک الإکسیر

او سه دیوان شعری دارد که برخی از آنها چاپ شده و برخی به صورت دست نویس است.

تمجید علما بر شیخ

بسیاری از مشایخ اسلام و مجتهدین بزرگ او را ثنا گفتند. بنده در کتاب شرح حال او بیش از ۱۰۰۰ پیر بزرگ را یاد کردم که بر شیخ ثنا گفته اند. همچون عبد السلام، راضی، ابن الزمלקانی، النووی، الیافنی، العلائی، البلقی و دیگران. همچنین بیش از ۱۰۰ کتاب را ذکر کرده ام که در منفعت او سخن گفته اند یا مستقلاً در شرح حال او نوشته شده اند.

ابن عماد نسب شیخ گویی برای خلوت و عزلت از مردم آشکار شد. گویی هیچ چیز او جمع نمی شد مگر تنهایی. سپس شروع به تالیف کرد و تالیفات بسیاری داشت که بر استعداد و تبحر او در علوم ظاهری و باطنی دلالت می داد. او همچنین به مقام اجتهاد در امر کشف و استنباط رسید.

وفات

وفات شیخ در ۲۲ ربیع الآخر سال ۶۲۸ هـ در مشق رخ داد و او را در دامنه‌ی تاسیون نزدیک تربت قاضی محی الدین بن زکریا در مقام او که اکنون معروف است، به خاک سپردند و اهالی ده من سه روز دکان‌های خود را در عزای او بستند. رضی الله عنه و رحمه.

محرر ریاض المالح